

خداوند تو را لازم دارد

یادداشت

مرقس ۱۱: ۱-۱۱

«چون به بیت فاجی و بیت عنیا رسیدند که نزدیک اورشلیم در دامنه کوه زیتون بود، عیسی دو تن از شاگردان خود را فرستاد و به آنان فرمود: «به دهکده‌ای که پیش روی شماست، بروید. به محض ورود، کره الاغی را بسته خواهید یافت که تاکنون کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و بیاورید. اگر کسی از شما پرسید: «چرا چنین می‌کنید؟» بگویید: «خداوند بدان نیاز دارد و بی‌درنگ آن را به اینجا باز خواهد فرستاد.»^۴ آن دو رفتند و بیرون، در کوچه‌ای کره الاغی یافتند که مقابل دری بسته شده بود. پس آن را باز کردند. در همان هنگام، بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند پرسیدند: «چرا کره الاغ را باز می‌کنید؟»^۵ آن دو همان گونه که عیسی بدیشان فرموده بود، پاسخ دادند؛ پس گذاشتند بروند.^۶ آنگاه کره الاغ را نزد عیسی آورده، رداهای خود را بر آن افکندند، و عیسی سوار شد.^۷ بسیاری از مردم نیز رداهای خود را بر سر راه گسترده و عده‌ای نیز شاخه‌هایی را که در مزارع بریده بودند، در راه می‌گسترده. کسانی که پیشاپیش او می‌رفتند و آنان که از پس او می‌آمدند، فریادکنان می‌گفتند:

«هوشیانا!»

«خجسته باد او که به نام خداوند می‌آید!»

«خجسته باد پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد!»

«هوشیانا در عرش برین!»

^{۱۱} پس عیسی به اورشلیم در آمد و به معبد رفت. در آنجا همه چیز را ملاحظه کرد، اما چون دیروقت بود همراه با آن دوازده تن به بیت عنیا رفت.^{۱۱}

زکریا ۹: ۹

^{۱۱} ای قوم من، شادی کنید و از خوشحالی فریاد برآورید، چون پادشاهتان نزد شما می‌آید! او نجات دهنده ای پیروزمند است و با فروتنی، سوار بر کره الاغی می‌آید.^{۱۱}

پیام هفته آینده

معنی عید پاک

کشیش سارو خاچیکیان